



گذر جوانمردان

لوطیان عصر قاجار



فریبا مرادی

ڏنڊر ڄوانا ڏان

گذر جوانمردان

گذر جوانمردان

(لوطیان عصر قاجار)

فریبا مرادی

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مرادی، فریبا، ۱۳۶۶ -	سرشناسه
گذر جوانمردان: (لوطیان عصر قاجار) / فریبا مرادی.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۴۰۱.	مشخصات نشر
۱۸۸ ص.	مشخصات ظاهری
978-600-8687-84-9	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
کتابنامه: ص. ۱۶۹ - ۱۸۱؛ همچنین به صورت	یادداشت
زیرنویس.	یادداشت
نماینه.	عنوان دیگر
لوطیان عصر قاجار.	موضوع
فتوت -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ق.	
-- Iran -- History -- Futuwwa (Islamic social groups)	
19th century	
پهلوانان ایرانی -- تاریخ -- قرن ۱۳ق.	
Heroes -- Iran -- History -- 19th century	
عیاران -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ق.	
Ayyārs -- Iran -- History -- 19th century	
۶۵ DSR	رده بندی کنگره
۹۵۵/۰۰۴۴	رده بندی دیویی
۹۰۰۴۳۳۷	شماره کتابشناسی ملی
فیبا	اطلاعات رکورد کتابشناسی



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

گذر جوانمردان

(لوطیان عصر قاجار)

فریبا مرادی

حروفچینی، صفحه‌آرایی و نظارت: نشر تاریخ ایران

طرح جلد: فریبا علایی

چاپ و صحافی: رامین

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹-۸۴-۸۶۸۷-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 978-600-8687-84-9

قیمت: ۱۵۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

Website: nashretarikheiran.com

Instagram: nashretarikheiran

Telegram channel: @nashretaarikh

Email: nashretarikheiran@gmail.com

سخن ناشر

نشر تاریخ ایران لازم می‌داند توجه مخاطبان را به این نکته مهم جلب نماید، طبق قرار تعیین، اعلام و تعهدشده طرف قرارداد با ناشر، مسئولیت ویرایش، تصحیح و مقابله متن به عهده صاحب اثر (مؤلف، مصحح و مترجم) است و ناشر بنابر تعهداتش، حق هیچ دخل و تصرفی را در متن ندارد.

نشر تاریخ ایران

فهرست مطالب

مقدمه

۱۱

فصل اول / لوطی کیست؟

۱۳

۱۳ لوطی در لغت

۱۵ پوشاک لوطی

۱۸ آرایش صورت لوطی

۱۹ ابزار و اسباب لوطی (هفت وصله لوطی گری)

۲۳ مرام و اخلاق لوطی (لوطی گری)

۲۸ زبان و ادبیات لوطی

۲۹ سلسله مراتب لوطی

۳۱ مذهب و عقاید لوطی

۳۲ عزاداری محرم

۳۶ عید قربان

۳۷ منازعات فرقه ای

۳۷ زیارت و اماکن مقدس

۳۸ مراسم کلوخ اندازان

۳۹ سایر عقاید دینی

۳۹ مشاغل

۴۲ تفریحات و سرگرمی ها

۴۵	پاتوق
۴۵	قهوه خانه‌ها
۴۷	«زورخانه»
۵۰	گلریزان
۵۰	شیرکخانه
۵۱	اماکن مذهبی
۵۲	سایر اماکن

فصل دوم / بررسی نقش سیاسی لوطی‌ها

۵۷	آشوب اصفهان و زمینه‌های آن
۵۸	طغیان هاشم خان لبنانی
۶۳	لشکرکشی فتحعلی‌شان به اصفهان
۶۴	شورش مجدد لوطی‌ها در حکومت محمدشاه
۶۷	تدابیر محمدشاه برای سرکوب آشوب اصفهان
۶۹	لشکرکشی محمدشاه به اصفهان
۷۲	ادامه یافتن آشوب اصفهان در حکومت ناصرالدین‌شاه
۷۶	لوطی‌ها و تحریم تنباکو
۷۷	لوطی‌ها و نهضت مشروطه
۷۸	لوطی‌ها پیش از مشروطه
۸۰	لوطی‌ها پس از پیروزی مشروطه
۸۷	نقش لوطیان تبریز در انقلاب مشروطه
۹۱	بلوای مشهد و به توپ بسته شدن حرم امام رضا(ع)
۹۶	طغیان نایبیان کاشان

فصل سوم / بررسی نقش اجتماعی لوطی‌ها

۱۰۰	نقش لوطی‌ها در بحران نان
-----	--------------------------

۱۰۴	سو رفتارهای اجتماعی
۱۰۷	پیامد سو رفتار لوطی‌ها
۱۱۱	رابطه لوطی‌ها با اقلیت‌های دینی
۱۱۳	اقدامات دولت جهت مقابله با لوطی‌ها
۱۲۳	لوطی‌ها و نظامی‌گری
۱۲۶	افول لوطی‌گری
۱۲۹	فصل چهارم / هنر و ادبیات
۱۲۹	لوطی‌ها: موسیقی و نمایش
۱۳۰	۱- مطرب‌های دوره گرد
۱۳۵	۲- لوطی عتری‌ها
۱۴۳	موضوع نمایش
۱۴۸	اشعار
۱۵۴	رقص
۱۵۴	زبان
۱۵۸	لوطی در ادبیات
۱۶۹	منابع و مآخذ
۱۸۵	نمایه
۱۸۵	اعلام
۱۸۸	اماکن

مقدمه

حکومت‌های استبدادی، ضعف ساختار قدرت، هجوم و تسلط بیگانگان و... از جمله عواملی بود که مردم ایران در طول تاریخ همواره با آن درگیر بودند. به مرور زمان گروه‌هایی از میان توده مردم برخاسته و سعی در احقاق حقوق ایشان مقابل دولت‌های وقت نمودند.

جریان این اشخاص که در طول زمان با نام‌های عیاران، فتیان، اخیان، پهلوانان و ... شناخته می‌شدند، با فراز و فرودهای فراوان همراه بود، گاه مثل صفاریان موفق به تشکیل حکومت شدند یا همانند سریداران با پایه‌گذاری نهضت مقاومت و بیگانه‌ستیزی مقابل دشمن قدامت کردند، یا در کسوت پهلوان به دربار راه یافتند. اما آنچه همواره در میان ایشان مشترک بود پابندی به اصول جوانمردی و حمایت از ضعفا بود.

با روی کار آمدن حکومت قاجار، مشکلات خارجی و کشمکش‌های داخلی شاهزادگان بر سر قدرت و بی‌کفایتی شاهان اوضاع کشور را مغشوش و نا آرام ساخت. در این شرایط عامه مردم که همواره بدترین صدمات را متحمل می‌شدند به دنبال مأمنی برای امنیت و حمایت بودند. مرام عیاری و جوانمردی را در این زمان می‌شد در صنف «لوطی‌ها» یافت. اما برخی عوامل این قشر را از مسیر فتوت منحرف کرده و به سمتی سوق داد که اکثریت آن‌ها نه تنها کارکردشان به عنوان مدافعان ضعفا از دست دادند بلکه به معضلی برای

طبقه رعیت تبدیل شدند که خود از آن برخاسته بودند. علاوه بر معرفی و بیان ویژگی‌های این صنف، معنی جوانمردی و تفاوت آن با نالوطی‌گری و ناجوانمردی و مسیر زوالی که لوطیان در عصر قاجار پیمودند در دو بخش نقش سیاسی و اجتماعی آنها شرح داده و در انتها به جایگاه این قشر پرحاشیه در هنر و ادبیات پرداخته است.

فصل اول

لوطی کیست؟

لوطی در لغت

درمورد معنی و ریشه لوطی معانی متفاوتی ذکر شده است:

منسوب به قوم لوط، غلامباره، کودک باز، هرزه کار، قمارباز، شراب‌خواره، سخی، بخشنده، جوانمرد^۱، بزرگوار و گشاده دست که به یاری ضعیفان بشتابد^۲، رند و بی‌باک^۳، کسی که از نیروی بدنی و روحی برخوردار است^۴، سرکش و نافرمان^۵، مطرب و دست و دل باز^۶، لقب حقه‌بازان و معرکه‌گیران و تردستان و چشم‌بندان و شعبده‌بازان^۷، اشخاص مسخره و بیماری که با امارد و اطفال سروکار داشتند و اطلاق این نام به مناسبت اخلاق و اعمال شنیع قوم لوط بود^۸، اعتماد السلطنه-وزیر انطباعات عصر ناصری- نیز زنان اندرونی را که مورد تمسخرشان واقع شده بود، الواط می‌نامد^۹.

۱. دهخدا، لغتنامه، ج ۳۷، ص ۳۳۴ ذیل واژه لوطی- قریب، واژه نامه نوین، ۹۹۴.

۲. نجفی، فرهنگ فارسی عامیانه، ص ۱۳۰۶.

۳. بهشتی، فرهنگ فارسی امید، ص ۸۱۸.

۴. معین، فرهنگ فارسی، ص ۳۶۵۲.

۵. بهشتی، فرهنگ فارسی صبا، ص ۱۱۶.

۶. نیر، فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات رایج در شیراز، ص ۶۶.

۷. جمالزاده، فرهنگ لغات عامیانه، ص ۴۹۰.

۸. سایکس، سفرنامه سرپرسی سایکس، ص ۴۰.

۹. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۵۶۱.

اصطلاح لوطی همچنین برای نام‌گذاری سرگرم کنندگان، نگه‌دارندگان میمون، خرس و شیر، بوزینه و عروسک گردان‌ها و نوازندگان و رقاصان به کار می‌رفت^۱، در مواردی نیز به «ولگردان» و «کسانی که به درد هیچ کاری نمی‌خورند» و «دوره گردان» و «یاغیان و کسانی که به هیچ دلیل نیرنگ می‌زنند و آشوب برپا می‌کنند» اطلاق گردیده است^۲. برخی آن را شکلی از لودی محسوب می‌دارند که می‌توان آن را هم به «لودیه» یا «لیدی» منسوب دانست که در زمان کوروش کبیر از جانب شاه، می‌کده و عشرتکده‌های فراوانی آنجا ساخته شد تا شورش نکنند^۳ و هم به «لود» که طایفه‌ای افغان و فارسی زبان در «مکران» و به غیرت و فتوت معروف بوده‌اند^۴. عنوان دیگری که برای لوطی به کار می‌رفته «داش» یا «داش مشدی» است. به معنی مرد حق و حساب دان و باگذشت^۵. شیک پوش، خوش سر و وضع^۶، خوشمزه، تربیت یافته سرگذر^۷. درباره مشدی/مشتی همچنین می‌توان گفت که مشط به معنی «شانه» و مشاط کسی بوده است که سرو زلف عروسان را با شانه آرایش و زینت می‌داده است. دور نیست مشطی‌ها جوانان اهل حق یعنی جوانمردان عیاری بودند که با لباس آراسته و سر و زلف پیراسته سعی داشتند در برابر ژنده‌پوشان مدعی زهد و تقوا ظاهر شوند و خویشتن را پای بند علایق دنیا و بیزار از تقشف و انمود کنند تا بیشتر به اتهام خود خواهی و دنیا دوستی معروض ملامت گردند^۸. گویا واژه مشدی/مشتی از بار معنی مثبت‌تری نسبت به لوطی برخوردار بود،

۱. مارتین، دوران قاجار، ص ۲۰۳.

۲. هولستر، ایران در یکصد و سیزده سال پیش، ص ۵۰.

۳. کریمی زنجانی، جوانمردان هنرمند و معرکه گیران بی‌باک، ص ۶۵.

۴. کاتوزیان، فرهنگ کاتوزیان، ص ۶۴۷.

۵. عمید، فرهنگ عمید، ص ۱۰۸۳.

۶. جمالزاده، فرهنگ لغات عامیانه، ص ۵۱۰.

۷. حکیم، فرهنگ واژه‌های عامیانه دوره قاجار، ص ۱۷.

۸. یگانه و دیگران، مرام و مسلک لوطیان در دوره قاجار، ص ۸۳ به نقل از فرامرزی بن خداداد الارجانی.

چرا که در دربار نیز رایج بوده و پسر کامران میرزا نایب السلطنه به «شازده مشتی» معروف بود.^۱ این دایره معنایی وسیع طیف گسترده‌ای از افراد جامعه را در بر می‌گیرد که می‌تواند یکی از دلایل مهم و مؤثر بودن ایشان در جامعه باشد.

به‌طور کلی و با توجه به عملکردهای متفاوت الواط-که در ادامه شرح آن خواهد آمد- در اواخر سده نوزدهم واژه لوطی به دو معنای مرد مسلح خطرناک و قهرمان مردمی به کار می‌رفت.^۲

پوشاک لوطی

لباس اولین شاخصه ظاهری لوطی‌ها بود که آن‌ها را از دیگر مردم جامعه متمایز می‌ساخت. به‌طوری که بسیاری از سیاحان تنها با شناختی که از ظاهر آن‌ها داشتند، به توصیف‌شان پرداخته‌اند. بر خلاف عبدالله مستوفی-دولت مرد دوره قاجار- که معتقد است: «هرکس لوطی گری را ظاهر می‌کرد، جزو جمعیت آن‌ها محسوب می‌شد».^۳

به نظر می‌رسد لباس و ظاهر اولویت اول آداب لوطی گری بوده است. زیرا هنگامی که شاهزاده «آقا عزیز» عزم پیوستن به جرگه لوطیان را کرد، در ابتدای امر سعی در رعایت آداب ظاهری نمود و «کلاه پوست و ماهوت» را به «کلاه نم‌دی» و «پوتین و غنדרه و اُرسی» را به «گیوه پیکانی و ملکی شیرازی» مبدل ساخت.^۴

لباس لوطی عبارت بود از:

۱- ارخالق؛ به قباچه یا نیم تنه ای جلوباز بدون دکمه و جیب گفته می‌شد که زیر سرداری پوشیده می‌شد. بعضی ساده بود و بعضی دور یقه و سرآستینش مليله دوزی و زر دوزی و سینه‌هایش طرح بته جقه داشت.^۵

۱. میرزانی، روزنامه خاطرات عزیزالسلطان، ملیجک ثانی، ص ۲۷۵

۲. آبراهامیان، ایران میان دو انقلاب، ص ۳۰

۳. مستوفی، شرح زندگانی من، ص ۴۴۵.

۴. افضل الملک، افضل التواریخ، ص ۲۷۸.

۵. شهری، طهران قدیم، ج ۴، ص ۲۸۴.

۲- قبا؛ جامه‌ای جلو باز، کوتاه و تا زانو بود^۱، به رنگ‌های سبز و آبی و آلبالویی که رنگ‌های مورد پسند لوطی‌ها بود.^۲

ویژگی قبای آن‌ها به جز رنگ، جیب پائین قبا بود که در آن کیسه پول قرار داده می‌شد.^۳

۳- سرداری؛ لباسی بلند به شکل لباده و بدون دکمه بود که به‌طور آزاد به تن می‌ایستاد و لباس زیر آن نمایان می‌شد. گاه برای جلوه کردن و باشکوه نمودن، زیر لبه چپ آن جقه‌ای طلایی می‌دوختند که هنگام حرکت نمایان می‌شد، گاه نیز عبای بسیار لطیف و نازک گردی بر روی شانه می‌انداختند. این عبا طوری لطیف و ظریف بود که گفته می‌شد از داخل یک حلقه انگشتری خارج می‌شد. جنس آن نیز عموماً از مخمل و یا ماهوت انگلیسی بود.^۴

۴- کلاه؛ کلاه در معنی عام پوششی جهت حفاظت سر از سرما و گرما می‌باشد که شکل و جنس آن متأثر از شرایط مکانی، سوابق تاریخی و اعتقادات قومی است. در ادوار مختلف تاریخی اشکال گوناگون کلاه، شغل، نژاد، قومیت، طبقه، رتبه و مقام هر فردی را نشان می‌داد.

افراد دارای مقام و مناصب دولتی آنچه را بر سر می‌نهادند «تاج» می‌نامیدند.^۵

«تاج نمد» که در آئین فتوت از آن نام برده شده است، جبرئیل امین به دستور خداوند از پشم شتر صالح یا پشم میش اسماعیل بافت و موسی کلیم الله در کوه طور بر سر نهاد.^۶ از همین رو، لوطیان نیز کلاهی شبیه نصف تخم مرغ از این جنس و عمدتاً به رنگ سیاه و قهوه‌ای و سرخ جگری داشته^۷ و آن

۱. شهری، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج ۶، ص ۴۴۵.

۲. شهری، طهران قدیم، ج ۲، ص ۲۱۴.

۳. همان، ج ۳، ص ۹۵.

۴. نجمی، طهران عصر ناصری، ص ۵۵۶ - شهری، طهران قدیم، ج ۱، ص ۲۸۰.

۵. دبیر سیاقی، کلاه، ص ۳۸، ۳۷.

۶. کاشفی، فتوت نامه سلطانی، ص ۱۵۴.

۷. شهری، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج ۴، ص ۱۴۴.

را «کج» بر سر می گذاشتند^۱، یا تا روی بناگوش پائین می کشیدند^۲. «کلاه نمدی‌ها»، نیز اصطلاحی بود که بعدها به این قشر اطلاق شد: «امروز عصری یک نفر کلاه نمدی آقا سید محمد عصار را که در واقع پیشکار آقاسید عبدالله است به ضرب کارد مرحوم می کند^۳». یا در مثالی دیگر: «سخنان سید جمال الدین بیش از دیگران در میان کلاه نمدی‌ها و عامه مردم نفوذ کرده بود^۴».

۵- گیوه: گیوه پای افزار سنتی بسیاری از ایرانیان بود که به دو نوع معمولی روستایی و ملکی تقسیم می شد^۵.

گیوه مخصوص لوطی‌ها «ملکی» بود که نوع اعلای گیوه به شمار می رفت. ظرافت، سبکی، راحتی، سهولت در پوشیدن و مناسب بودن برای مسیرهای سنگلاخی ویژگی‌های منحصربه فرد ملکی بود که موجب می شد لوطی‌ها علی رغم قیمت بالا، مشتری دائم آن باشند^۶. اما احتمالاً مهم ترین دلیل، دوییدن و فرار کردن از معرکه‌های پرخطر بود که باعث می شد همواره گیوه مناسب به پا داشته باشند. ملکی پای افزاری بود با رویه دستباف و زیرهای از پارچه کوبیده شده که نوار پهلوی هم جفت کرده و چرم خام از آن گذارنده باشند، در نوک آن سر پنجه‌ای از جنس چرم خام که باریکه‌ای از آن کمی به طرف سر پنجه برگشته و پاشنه‌ای از جنس سرپنجه که استحکام آن را حفظ کند^۷.

۱. دوگوینو، سه سال در آسیا، ص ۳۰۸.

۲. نجمی، طهران عصر ناصری، ص ۱۲۳.

۳. میرزایی، روزنامه خاطرات عزیزالسلطان ملیجک ثانی، ج ۳، ص ۱۷۱۱.

۴. رائین، انجمن های سری در انقلاب مشروطیت، ص ۸۵.

۵. سرلک، گیوه و گیوه کش، ص ۷۲.

۶. صداقت کیش تاریخیچه گیوه دوزی در ایران، ص ۳۳۹.

۷. شهری، طهران قدیم، ج ۱، ص ۲۸۱، ۲۸۰.

آرایش صورت لوطی

عموم مردم در این دوره شیوه اصلاحی ساده و یکسانی داشتند به این صورت که دسته مویی روی سر می گذاشتند و آن را در هر طرف به دو طره تقسیم می کردند، یکی را جلوی گوش و دیگری را پشت آن قرار می دادند. طیف علما و روحانیون نیز سر را از بیخ می تراشیدند.

اما لوطی ها که به قواعد و مقررات عمومی بی اعتنا بودند در اصلاح سر نیز روشی متفاوت و متمایز از بقیه مردم در پیش گرفتند:

۱- گروهی مو را بلند کرده و به صورت نامرتب و درهم بر روی سر شقیقه قرار می دادند.^۱

۲- نوع «پاشنه بخواب» به گونه ای بود که اول موها را از اطراف سر به پائین شانه کرده، پشت گردن را تیغ می انداختند. اصلاحی که به اندازه نصف نعلبکی جلوی سر و شقیقه ها با صورت را تراشیده، پشت گردن را پر گذاشته و پائین آن را می تراشیدند.

۳- زلف که تا لاله گوش بلند گذاشته، پشت سر را می تراشیدند و آن را «پاشنه نخواب» می گفتند.

۴- «دم اردکی» نیز از مدل های مورد علاقه این گروه، به این صورت بود که موی سر را از پیشانی تا پشت گردن می تراشیدند سپس کلاه مشتری را به سرش گذاشته و موهای اطراف آن را با شانه به لبه کلاه برگردانده، کم و زیادش را صاف می کردند و تنها در دو سوی گوش ها حاشیه ای از زلف کما بیش به پهنای یک بند انگشت رها می کردند و گویا همین بود که زلف دم اردکی می گفتند. بسیاری هم زلف های بیخ گوشی می گذارند که پیچک (برجک) نامیده می شد.^۲

از اصطلاحات و ضرب المثل های رایج میان لوطی ها «به مویت قسم» و

۱. پولاک، سفرنامه ادوارد پولاک (ایران و ایرانیان)، ص ۳۹۷.

۲. شهری، طهران قدیم، ج ۲، ص ۱۲۲- کتیرایی، از خشت تا خشت، ص ۳۸۳.

«مویت را کفن کردم» بیانگر اهمیت سرو مو برای ایشان است.^۱
 سیبل لوطی‌ها تمام پشت لب را تا چاک دهان گرفته اندکی به طرف پائین و روی لب آویخته بود و به قول شهری «سی بیل» تمام بود.^۲
 به نظر می‌رسد آن‌ها با این مدل سیبل سعی در مهیب جلوه دادن خود و ارباب مردم داشتند و بعدها اصطلاح «سیبل کلفت» که به ایشان اطلاق شد، شخصی خشن و بی‌باک را در ذهن مجسم می‌ساخت. همچنین یکی از شیوه‌های اخاذی آن‌ها به «باج سیبل» معروف بود که با تهدید و تخریب و ارباب و مزاحمت از فرد مالباخته صورت می‌گرفت.^۳

ابزار و اسباب لوطی (هفت وصله لوطی‌گری)

یکی از آداب لوطی‌گری در آئین نانوشته ایشان، به همراه داشتن لوازمی معروف به «هفت وصله لوطی‌گری» بود، که عبارت بود از: «زنجر بی سوسه یزدی، جام برنجی کرمانی، دستمال بزرگ ابریشمی کاشانی، چاقوی اصفهانی، چیق چوب عناب یا آلبالو، شال لام الف لا و گیوه تخت نازک» که چهارتای اولی حتمی و سه تای آخر در درجه دوم بود.^۴ بعضی دیگر این اقلام را «گیوه اصفهانی، پاشنه کش، جام برنجی، کیسه توتون مليله دوزی» آورده‌اند.^۵

۱- چاقو: چاقو در فرهنگ عیاری از نوعی قداست برخوردار بود و از نشانه‌های مردانگی به شمار می‌رفت. فتیان اعتقاد داشتند کارد را اولین بار جبرئیل جهت قربانی «حضرت آدم» از بهشت آورد. حروف کارد اشاره دارد به: کاف: «کرم است. صاحب این قبضه باید با کرم و جوانمرد باشد». الف: «احسان است. صاحب این قبضه باید که نیکوکار باشد».

۱. نجفی، فرهنگ فارسی عامیانه، ج ۲، ص ۱۳۷۰.

۲. شهری، طهران قدیم، ج ۲، ص ۱۲۴، ۱۲۳.

۳. شاملو، کوچه، ج ۴، ص ۹۷.

۴. مستوفی، شرح زندگانی من، ص ۴۴۶، ۴۴۵.

۵. شاملو، کوچه، ج ۱، ص ۵۸۵، ۵۸۴.

ر: «روشنی است باید هر که این قبضه را به دست گیرد روشن باشد».
 دال: «دلدار است. باید که خداوند این قبضه در مقام تخلق و دلجویی
 باشد تا گرفتن این قبضه بر وی حلال باشد».^۱

به جز داشتن این خصوصیات روحی، قاعده مهم دانستن زمان خنجر
 کشیدن و خارج کردن آن از غلاف بود. به این صورت که عیار هرگز نباید از
 روی خشم و بی مورد و یا روی هر کسی خنجر می کشید. اما اگر آن را از
 غلاف خارج کرده و نمی زد نامرد و ناجوانمرد بود. با این وصف می توان گفت
 خنجر در فرهنگ عیاری نشانه مروت و مردانگی بود و هرگز برای تهدید یا
 ارباب مردم استفاده نمی شد.

در اوایل دوره قاجار، میان لوطی ها خنجر خمیده از فولاد دمشقی رایج بود
 که طرف راست کمر می بستند. اما به تدریج استفاده از خنجر از بین رفت و قمه
 و قداره جای آن را گرفت.^۲

قمه سلاحی کارد مانند بود، بلند و دو دم و غلاف دار تا سه وجب. قداره
 نیز از قمه بلندتر و تیغه ضخیم تر یک دم و دو دم بود.^۳ بهترین آن نیز در
 اصفهان و خراسان ساخته می شد.^۴

با فراموش شدن «آئین دشنه بستن» کارکرد این سلاح به خشونت و
 شرارت هایی نظیر «سد معبر» و عربده کشی و «باج سبیل» خواستن تغییر یافت.
 به این صورت که در حالت مستی قداره ای را در معابر عمومی به زمین
 می کوبیدند و برای خارج کردن آن نفس کش می طلبیدند^۵، یا با عربده
 کشی های شبانه در کوچه ها در دل مردم ایجاد رعب و وحشت می کردند.^۶

۱. کاشفی، فتوت نامه سلطانی: صص ۳۸۸-۳۸۵.

۲. پولاک، سفرنامه ادوارد پولاک (ایران و ایرانیان)، ص ۱۱۵.

۳. شهری، طهران قدیم، ج ۳، ص ۳۳۶.

۴. تانگوانی، سفرنامه زی.ام. تانگوانی (نامه هایی درباره ایران و ترکیه آسیا)، ص ۲۴۴.

۵. همای، خاطرات علی همای، ص ۴۹.

۶. مسعود انصاری، خاطرات سیاسی اجتماعی (مروری بر پنجاه سال تاریخ)، ص ۷۱.

در مواردی نیز برای انجام امورات شخصی مثل پاره کردن هندوانه و خربزه و خوردن میوه و سایر حوائج مثل ناخن گیری به کار می‌رفت.^۱

۲- چپق: از دیگر وصله‌های مردانگی و لوطی‌گری و نشانه مرد شدن «چپق» بود که به آن اهمیت زیادی داده می‌شد. در این حد که هیچ جوانی، مرد کامل نشده بود، مگر چپق به دست می‌گرفت و آن نیز نه در دورهٔ تجرد، بلکه بعد از دامادی و اینکه توانسته باشد زفاف نموده باشد. همچنین شروع «مردانگی» از زمانی بود که می‌توانست به چپق مردانه‌شان قسم خورده، از عهدهٔ عهد برآمده و وفای به قول بکنند.^۲

بهترین سر چپق گلی آن بود که دیر داغ می‌شد چرا که داغی سر چپق باعث خشک شدن توتون و تند و بدطعم شدن آن می‌گردید و بدترین آن چینی که زود داغ شده دیر سرد می‌گردید، البته لوطی‌ها برای اینکه «پز چپقشان کامل شود» به آن سر چینی می‌بستند که بدترین نوع بود.^۳

چپق مجلسی نیز به این صورت چاق می‌شد که لوطی سر چپق را توتون می‌گرفت و پس از مکیدن با یکی دو پُک آن را افتتاح می‌نمود، سپس به طرف بغل دستی‌های این طرف و آن طرف گرفته، آن‌ها نیز هر یک یکی دو پُک به آن زده رد می‌کردند. این چپق احترام و مودت و قبولی مهمانان و بذل افتخارهایشان بود که از طرف طوطی باشی یا داش تعارف می‌گردید پس از آن مجاز می‌شدند که اگر بخواهند از چپق خود استفاده

کنند. اهمیت چپق به اندازه‌ای بود که برای اظهار ارادت و تواضع خود را «چپق چاق کن» شخص مقابل می‌گفتند؛ «داش ما کرتیم، چپق چاق کن برادر تیم».^۴

۳- پاشنه کش: لوطی‌ها عموماً پشت گیوه را خوابانده و راه می‌رفتند. پاشنه کش به کار کشیدن پشت گیوه می‌آمد. چرا که هرگاه عرصه را تنگ می‌دیدند یا با

۱. شهری، طهران قدیم، ج ۴، ص ۳۲۸.

۲. شهری، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج ۶، ص ۴۴۴.

۳. همان، ۴۴۳.

۴. همان، ۴۴۵.

حریفی قَدَر مواجه می‌شدند، پاشنه را کشیده و فرار را به قرار ترجیح می‌دادند.^۱
 گویا ضرب‌المثل «از لوطی گری پاشنه کشش را دارد» اشاره به افراد
 متظاهر به لوطی گری را دارد که در عمل بدون داشتن هیچ شجاعتی همیشه از
 معرکه فراری بودند.

۴- جام برنجی: جام برنجی شبیه پیاله بی‌پایه از مفرغ یا نقره یا طلا با نقش و
 نگار و حکاکی زیبا یا ساده، مخصوص دوغ و شربت و آب و عرق بود. کاربرد
 دیگر آن، این بود که در دفع بول کنار کوچه با آن استنجا کرده، تطهیر می‌نمودند.^۲

۵- زنجیر یزدی: زنجیر ریز بلند به اندازه دو متر با حلقه‌ای از چرم برای
 انداختن به میچ دست و سر منگوله‌ای از چرم رشته در انتها که در مشت جای
 می‌گرفت و کاربرد راندن مرکب و استفاده در دعا و مخاصمات بود.^۳

زنجیر را در مواردی که به دست نمی‌گرفتند به سوراخ‌های اراخالق
 می‌آویختند.^۴

۶- شال لام. الف. لا.

شال کمر از قدیمی‌ترین ایام جزئی از پوشش عمومی مردم ایران بود.
 معمولاً در «پر کمر» چیزهایی فرو می‌کردند که باملاحظه آن می‌شد به مقام و
 حال صاحب آن پی برد.^۵ یکی از ارکان مهم فتوت از دیرباز «شد» یا کمر بند
 بستن بود که به معنای میثاق و عهد بود.^۶ جنس آن نیز معمولاً از چلووار سفید
 بود و چند دور، دور کمر پیچیده می‌شد.^۷

لوطی‌ها شال کمر را به گونه‌ای می‌بستند که سرو ته آن را از جلوی شکم و

۱. شهری، طهران قدیم، ج ۴، ص ۳۲۸.

۲. همان، ص ۳۲۸.

۳. همان، ص ۳۲۸.

۴. نجمی، طهران عهد ناصری: ۵۵۷.

۵. پولاک، سفرنامه ادوارد پولاک (ایران و ایرانیان)، ص ۱۰۷.

۶. کرین، آیین جوانمردی، ص ۳۷.

۷. ویلز، سفرنامه ریچارد ویلز (ایران در یک قرن پیش)، ص ۳۶۱.

روی ناف از هم بگذرد و تقریباً شکل لام. الف. لا در آن ایجاد شود.^۱ عموماً نیز در آن دشنه و چاقوی پهن چرکسی می گذاشتند.^۲

۷- دستمال ابریشمی: گاه آن را به جای عمامه و کلاه به سر می پیچیدند.^۳ زدودن عرق پیشانی و پاک کردن لب بعد از نوشیدن شراب از دیگر کاربردهای آن بود.^۴

۸- انگشتر عقیق و فیروزه: که عقیق را موجب آمرزش و فیروزه را باعث گشایش کار و وسعت رزق می دانستند.^۵

۹- تسبیح: جهت ذکر گفتن، تشخیص نشان دادن و یا بازیچه به دست می گرفتند.^۶ و گیوه تخت نازک که شرح آن گذشت.

مرام و اخلاق لوطی (لوطی گری)

لوطی ها را نمی توان به یک دسته مشخص مثبت یا منفی تقسیم کرد. هیچ عقیده مشترکی نیز درباره آن ها وجود ندارد زیرا در تمام عرصه ها حضور یافته و عملکرد متفاوتی داشتند. گاه به دفاع از ضعفا علیه حکومت برمی خاستند، گاه آلت دست صاحبان زور مانند حکام و روحانیون می شدند و با چپاول و غارت مردم، منافع ایشان را تأمین کرده و یا پاره ای از شورش ها و اعتراضات را کنترل می کردند. بر خلاف نظر مستوفی که لوطی ها را طبقه خاصی در جامعه نمی داند.^۷ این گروه حاشیه ای را می توان به دلیل حضور پررنگ و فعال در

۱. مستوفی، شرح زندگانی من، ص ۴۴۵.

۲. پولاک، سفرنامه ادوارد پولاک (ایران و ایرانیان)، ص ۱۰۷.

۳. شهری، طهران قدیم، ج ۱، ص ۴۵۹.

۴. شهری، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج ۴، ص ۳۸۴.

۵. شهری، طهران قدیم، ج ۴، ص ۳۲۹.

۶. همان، ص ۳۲۸.

۷. مستوفی، شرح زندگانی من، ص ۴۴۵.